

راهی به سوی خوشبختی و سعادت

شعور و عقل سلیم
انسان را به راه و زندگی بهتری هدایت می‌کند

نویسنده:

لافایت رن هابرد

استاد دانشگاه انگلیسی، کلمبیا، کانادا U.B.C

ترجمه:

حسین پرواز

سرشناسه	: هابرد، لا فایت رن، ۱۹۱۱ - ۱۹۸۶م. (Hubbard, L. Ron (La Fayette Ron)
عنوان و نام پدیدآور	: راهی به سوی خوشبختی و سعادت شعور و عقل سلیم انسان را به راه و زندگی بهتری هدایت می کند.
مشخصات نشر	: تهران: اسحاق، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص.
شابک	: 978-964-6747-35-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیهای مختصر
یادداشت	: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: پرواز، حسین، ۱۳۱۸ -، مترجم
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۹۷۳۸۵

انتشارات اسحاق

میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، پلاک ۷۳، واحد ۸

۶۶۴۹۲۴۴۳ - ۶۶۴۹۲۱۳۹

راهی به سوی خوشبختی و سعادت

مترجم: حسین پرواز

ناشر: انتشارات اسحاق

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پاریسیان

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۳۵-۶۷۴۷-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-6747-35-7

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹.....	مقدمه مترجم
۲۳.....	تشکر و قدردانی
۲۷.....	طرز استفاده و کاربرد کتاب
۳۱.....	خوشبختی و سعادت
۳۳.....	بخش اول: مراقب و مواظب خودتان باشید
۳۹.....	بخش دوم: صبور، شکيبا و بردبار باشید
۴۵.....	بخش سوم: اجتناب از ارتباطات و روابط جنسی غیر شرعی و ...
۵۳.....	بخش چهارم: ابراز عشق و حمایت از کودکان و سرمایه‌های اجتماعی
۶۱.....	بخش پنجم: به والدین احترام گذاشته و حامی آنان باشید
۶۷.....	بخش ششم: الگوی شایسته و خوبی در جامعه از خود ارائه نمائید
۷۳.....	بخش هفتم: همواره با حقیقت و صداقت زندگی کنید
۷۹.....	بخش هشتم: هیچ‌گاه مرتکب قتل و جنایت نشوید

- بخش نهم: به هیچ وجه کار غیر قانونی انجام ندهید..... ۸۵
- بخش دهم: از طرح‌های دولت پشتیبانی کنید..... ۹۳
- بخش یازدهم: اشخاص دارای حُسن نیت و حُسن تفاهم را ... ۹۹
- بخش دوازدهم: از محیط زیست خود حفاظت کرده و ... ۱۰۵
- بخش سیزدهم: دست به سرقت و دزدی نزنید..... ۱۱۷
- بخش چهاردهم: شایسته، لایق اعتماد و اطمینان باشید..... ۱۲۳
- بخش پانزدهم: ملزم به تعهدات و پرداخت دیون خود باشید..... ۱۲۹
- بخش شانزدهم: کوشا، پرکار و ساعی باشید..... ۱۳۵
- بخش هفدهم: واجد صلاحیت، کاردان، شایسته و لایق باشید..... ۱۴۱
- بخش هیجدهم: ایمان و اعتقادات مذهبی دیگران را محترم بشمارید..... ۱۶۵
- بخش نوزدهم: پسندیدن آنچه برای دیگران را می‌پسندیم..... ۱۷۳
- بخش بیستم: سعی کنید با دیگران طوری رفتار کنید که ... ۱۷۹
- بخش بیست و یکم: کامیابی و موفقیت..... ۱۹۳
- بخش بیست و دوم: سخن آخر..... ۲۰۱

مقدمه مترجم

آموختن مهارت‌های اجتماعی روابط بین فردی صمیمانه تری را تشکیل می‌دهند، انتقال کلامی و غیر کلامی احساسات، اظهار افکار و هیجانات بدون تجاوز به شأن و مقام دیگران، قبول مسئولیت آنچه در طول زندگی روی می‌دهد، اتخاذ تصمیم‌های آزادانه و عادلانه، دوستی با خود و حفظ شأن و حرمت نفس خویش و ... ضوابط تفکیک ناپذیر مهارت‌های زندگی است.

در اینجا آموزش ابراز وجود، نه آموزش پر خاشگیری است که در نتیجه آن به حقوق و منزلت دیگران تعدی کنید و نه ابزار دستکاری یا اغوای دیگران برای پیشرفت و ترقی است. آموزش ابراز وجود، آنگونه که مورد توجه است بر زیربنائی از احترام قرار دارد: احترام به خود، احترام به دیگران، و احترام به نظام ارزشی خود و دیگران. هر فردی حریم یا فضای شخصی منحصر به فردی دارد. قلمروی فیزیکی، روانشناختی، و ارزشی که متعلق به خود اوست. این حریم از لحاظ اندازه و بسیاری موارد دیگر، از فردی به فرد دیگر تفاوت دارد. ما، در درون حریم زندگی از حقوق فردی خویش بهره‌مند می‌شویم اما در بیرون از فضای شخصی در حوزه اشتراکی قرار می‌گیریم که در آن باید حقوق دیگران را نیز مورد توجه قرار دهیم و جایی است که به انطباق‌پذیری نیاز دارد. گاهی فرد دیگر تبدیل به مهاجمی میشود که به حقوق

قلمرو، و یا مسائل خصوصی ما تجاوز می‌کند. همانگونه که احترام به حریم شخصی یک فرد به معنای حفظ یک فاصله فضائی با اوست، به معنای حفظ فاصله هیجانی مناسب نیز هست. افراد دیگر می‌توانند از طریق خودداری در اظهار نظرهای تحقیرآمیز، مطرح نکردن سؤال‌های حاکی از دخالت و کنجکاوی، عدم ارائه نصایح و توصیه‌های ناموجه، عدم تلاش برای دستکاری ما جهت هویت خویش و موارد مشابه، از قلمرو روانی و هیجانی ما فاصله بگیرند.

از این جهت رها کردن، لغتی کوچک با معنایی عظیم است. اگر بخواهیم می‌توانیم همین امروز از تلاش برای کنترل دیگران دست بکشیم! در این راه آرامش پاداش ما خواهد بود.

احترام گذاردن دیگران به حریم شخصی ما، این حق را به ما می‌دهد که برای خود ارزش‌هایی داشته باشیم. اما مردم، اغلب می‌کوشند که ارزشهای خود را به ما تحمیل کنند. برای بیشتر مردم، بسیار دشوار است که بویژه در مسائل ارزشی، از تجاوز به حریم شخصی فرد دیگر اجتناب کنند!^۱

«هگل» می‌گوید: «باید از شخصیت و حرمت انسان و حق او در تعیین شیوه

زندگی خود بر رغم قدرت‌های ممکن دفاع کرد و تساهل و دادگری را ستود.»

آنچه که مسلم است خیر انسان در تفاوت‌های فردی است، به این تفاوت‌ها احترام بگذاریم. تعلیم و تربیت باید همیشه آدمی را از برترین جنبه‌اش تحت تأثیر قرار بدهد. معلمین جامعه، حاکمان و عالمان باید تجارب و عملکردهای منطقی، مستدل و

۱. پیشگیری نوین، گاهنامه داخلی شماره ۷ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی.

صداقت خود را به جای اندرزهای کتابی و لفظی به جامعه انتقال دهند. برای بهتر شدن، تقویت و رشد اهداف و رفتار شایسته دیگران بهتر است که به آنها انرژی مثبت بدهید و با بازگ کردن اعمال شایسته آنها و با تشویق، تمجید و تعریف از رفتارهای خوبشان نشان بدهید و تأکید کنید که راه درستی را در پیش گرفته‌اند، این عمل در نزد طرف مقابل تأثیر بسزائی خواهد داشت. شاید در ظاهر نشان ندهد، اما پیش از آنکه خودتان فکر کنید او را امیدوار و علاقه‌مند می‌کنید. ارشاد افراد جامعه باید با جنبه‌های عقلانی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، عملی و فرهنگی همراه باشد. قطعاً در این موارد تأثیرگذاری آن پایدار و مستمر خواهد بود.^۱

غرض از حیات آن است که آدمی از راه خوشبخت ساختن دیگران به خوشبختی خویش بیفزاید. اینجا است که دوستی به معنی واقعی به منصف ظهور می‌رسد و متعاقب آن عدالت چون عروس زیبا رخ می‌نمایاند. از این منظر است که ارسطو می‌گوید دوستی بر عدالت تقدّم دارد. آنجا که دوستی هست به عدالت نیازی نیست، ولی عادلان نیازمند دوستانند، در نظر مردمان عدالت‌پیشه، دوستی حقیقی‌ترین صورت عدالت است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «به درستی که در عدالت گشایش است، هر کس عدالت بر او تنگ باشد ستم بر او تنگ‌تر باشد».^۲

نیاز به محبت و تکریم، نیاز فطری، روحی و روانی است که در همه انسان‌ها بویژه در کودکان وجود دارد. برخورد توأم با کرامت و محبت موجب سلامت روان و تقویت

۱. پرواز، حسین، کرامت انسان، مبنای توسعه و تعالی سازمان، انتشارات اسحاق، سال ۱۳۹۱

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵

عزت نفس میشود. چرا که انسانیت نیازمند محبت است. چقدر زیباست که انسان‌ها را بشناسیم و آنان را درک کنیم.

بعضی از آدم‌نماها با تحقیر و کوچک شمردن انسان‌ها، سیاهی و فقر تربیتی‌شان را جلوه می‌دهند. همانطوریکه شب با پس‌زدن نور، سیاهی‌اش را به رخ می‌کشد. اینجاست که می‌بایست از افراد منفی‌نگر یا موقعیت‌هایی که باعث ایجاد افکار ناخوشایند و منفی می‌شوند، دوری کرده و سعی کنیم کمتر با آنها برخورد داشته باشیم، در توصیف احوال و زندگی خود از کلمات مثبت و روحیه‌بخش استفاده کنیم. زندگی آنقدر طولانی نیست که بتوان دوستی و مهربانی را به تأخیر انداخت. شما هر طور که بخواهید همانطور خواهید شد. در جهان پهناور زمین، به همان صورتی که شما فکر می‌کنید، نیروهای محرکه و انگیزه‌دهنده شما به همان گونه سرنوشت شما را رقم خواهند زد. شما به طریقی خواهید رفت که به آن باور دارید و تا موقعی که زنده هستید اراده شما بی‌صدا نخواهد شد. پس در تمام جریان زندگی خود به این کلام زیبا و هوشمندانه توجه داشته باشید:

«هرگونه که فکر کنیم، همان گونه زندگی خواهیم کرد.»

آنچه بینی دلت همان خواهد

و آنچه خواهد دلت همان بینی

داشتن تفکر مثبت در زندگی و خوش بینی معقول، رمز خوشبختی زندگی است. منفی‌نگرها همیشه نیمه خالی لیوان را می‌بینند. چنین افرادی عینک بدبینی به چشمان خود دارند، اشتباهات کوچک را بزرگ می‌شمارند، از گاه کوه می‌سازند و بدین صورت زندگی را در کام خود و دیگران تلخ می‌کنند. در خبرها آمده بود که در

گالری «سریانتین» لندن از پنجاه هنرمند، فیلسوف و نویسندگان بزرگ انگلیسی دعوت شده بود که «مرام نامه» خود را در زمینه «هنر زندگی چیست» بیان کنند تا یک منشور مشترک از گفته‌های آنان تدوین شود. در میان آنچه تا دیروز گفته شده بود این پیشنهاد یکی از بزرگان عالم فرهنگ انگلیس جالب بود که پیشنهاد کرده بود یک حزب جدید تشکیل شود که نام آن «متشکر» باشد و بجای سرزنش انسان‌ها بخاطر کارهایی که نکرده‌اند، از آنچه که انجام داده‌اند تشکر شود. اینگونه نگاه به انسان همان نگاه هنری است که اولیاء و انبیاء و بزرگان تاریخ بشریت نیز با همان نگاه به بشر می‌نگریستند و این نگاه است که حکایت از هنر زندگی دارد که ما آدم‌های معمولی از داشتن آن محرومیم و چشمان به نشده‌ها نگاه می‌کند و لیکن شده‌ها را نمی‌بیند. نباید به خیل عظیم کسانی پیونددیم که جهان را به ویرانه‌ای آزاردهنده بدل کرده‌اند، باید نگران صلح جهانی و زندگی انسان‌ها بود. می‌باید در مقابل مسائل جهانی واکنشی شدید از خود بروز دهیم. اجازه بدهید کتاب‌ها و قلم‌هایمان را داشته باشیم. آنها قوی‌ترین و مؤثرترین سلاح‌های ما هستند. یک بچه، یک معلم، یک قلم، یک کتاب می‌تواند در جهان تغییراتی بوجود آورد. آموزش، تعلیم و تربیت تنها راه و حل مسئله است تا بدین وسیله خود تغییر کنیم، تا جامعه اطرافمان و جهان را تغییر دهیم. باید تحول و تغییر را در ذهن و عملکرد خود بوجود آوریم، تا ناظر و شاهد تحول و تغییرات در جهان امروز به سوی سعادت و خوشبختی باشیم، این آرزوی ما است.

باید برای رسیدن به سعادت و خوشبختی واقعی در زندگی، ابتدا مسیر درست تفکر را فرا بگیریم، خوب بشنویم و خوب ببینیم. در اینصورت به نتایج مفید، مطلوب

و ارزشمند زندگی خواهیم رسید. بصیرت و بینائی بمعنی واقعی تبیین چنین ادبیات ارزشمند انسانی و اخلاقی است. علاوه بر آن باید به الگوهای فکری و رفتاری جامعه، به سبک زندگی در شادی و نشاط، به سبک زندگی در تعلیم و تربیت، به سبک زندگی در محیط کار و خانواده و به سبک زندگی در بهداشت روانی و سلامت جامعه توجه، دقت و اهتمام کامل مبذول نماییم.

این مسئله مهم را باید باور کنیم و به دیگران نیز القاء کنیم که امروز مجال زیادی برای جبران اشتباهات وجود ندارد. سرعت باور نکردنی پیشرفت و رقابت همه جانبه ملت‌ها برای تسخیر منابع بیشتری از جهان، زندگی را به تلاشی همیشگی تبدیل کرده است و در این رقابت ملّی موفق است که راه صحیح زندگی کردن را در پیش گیرد. خوشبختانه این راه صحیح قابل آموزش است و یکی از اهداف مهم دولت‌ها ارتقاء دائمی آموزش‌ها و مصون‌سازی جوامع در برابر خطرات و آسیب‌های مختلف اجتماعی است. نهادهای متنوع آموزشی می‌باید از طریق آموزش و اطلاع رسانی به واکسینه کردن مردم علی‌الخصوص به جوانان در برابر خطرات اجتماعی بپردازند. در این میان استفاده از مجموع رسانه‌ها نقش مهمی دارند.

چرا که زلزله آسیب‌های اجتماعی ده‌ها برابر مخرب‌تر و خاتمان براندازتر از زلزله‌ی طبیعی است.

در زلزله‌ی طبیعی جان انسان‌ها از دست می‌رود، ولی در زلزله‌ی آسیب‌های اجتماعی کرامت، هویت و ارزش انسان پایمال شده و از بین می‌رود.